

از: F. A. Sharr
ترجمه نسرين قربانی

برداشتی مناسب از کتابداری*

یکی از جنبه‌های دلپذیر در حرفه کتابداری، امکان تماس‌های بین‌المللی ناشی از آن است. در میان کتابداران، این واقعیت که ملیت‌های تواننده شکل صلح‌آمیز با یکدیگر گفتگو نمایند، تحقق یافته است.

مابه‌عنوان کتابدار، شیفته قدرت، سیاست، عقاید یا مذاهب به مفهومی که انسانها را از یکدیگر جدا می‌سازند نیستیم. سروکار ما با مردم است و نیازها، امیدها و مشکلات آنان، عموماً در سطح جهان یکسان است. کتابداران خواهان آنند که زندگی خود را به سوی صلح و کم‌و‌بیش روش‌هایی که با آنها خو گرفته‌اند، هدایت کنند. آنها طالب سعادت خانوادگی، و زندگی بهتر برای فرزندان، و احتمالاً کسب امکاناتی بهتر از خود، برای ایشان هستند. کوتاه سخن آنکه، آنها مشتاق استحکام بخشیدن به موقعیت خویش‌اند نه رکود و عدم تحرک و علاقه‌شان به توسعه است، نه طغیان. چنانچه این آرزوها دست‌یافتنی باشند، دسترسی به اطلاعات در شکل مناسب و قابل‌اجراء، مورد نیاز آنان خواهد بود. فعالیت کتابداری، با مردم و اطلاعات در ارتباط است. نقش حرفه‌ای کتابدار در هر نوع کتابخانه و در هر سطحی، ایجاد تأثیر معنی‌دار متقابل بین مردم و اطلاعات است. اطلاعات، مفتاح پیشرفت است و کتابداران، کارشناسان گردآوری و اشاعه اطلاعات هستند، یا باید باشند. بهمین دلیل است که آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

در سراسر جهان، اشتیاق فراوان به توسعه اقتصادی «ترقی» مشاهده می‌شود. با اعتماد به اینکه اصولاً برای بسیاری از مردم مفهوم پیشرفت قابل تشخیص نیست، همچنانکه ارزش هر چیز که پیشرفت را در خود دارد، درک نمی‌کنند. مثالی قدیمی (لازم به ذکر است) که «خداوند گفته است: آنچه از زندگی می‌خواهی بگیر، و بهای آنرا بپرداز».

بهای «پیشرفت» از هم‌گسیختن روشهای قدیمی است این نظره‌ای است که خیلی از مردم اگر چه نه زیاد، آشفته و ناخوش آیند می‌شمرند. آنها بطور غریزی و طبیعی و شاید ناآگاهانه در مقابل تغییرات مقاومست می‌کنند. در حالیکه مشتاق پیشرفت هستند. وجود این تناقض، زمینه-

ساز نتایج مایوس کننده بسیاری از کوشش‌ها برای سرعت بخشیدن به تغییرات در کشورهای در حال رشد است.

مردم جهان تولیدات جوامع مدرن صنعتی را می‌بینند و آرزوی آنها را دارند. از نظر آنان اینها نشانه پیشرفت است. اما صنایع مدرن محصول اروپای غربی است و جوامع صنعتی مستکی به تاریخ، ارزشها، فلسفه و حتی اعتقادات مذهبی می‌باشند که طی ۲۰۰ سال در اروپا پیدا شده و مورد قبول واقع شده است. لیکن بسیاری از بخش‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین دارای ارزشها و اعتقادات کاملاً مختلف بوده و آزمایشهای متفاوتی از سازمانهای اجتماعی دارند. بنابراین صنعتی شدن آنها با پذیرفتن ارزشهای غربی، تهدیدی نسبت به تمامی نظام فرهنگی آنها محسوب می‌گردد. در مقابل چنین ارزش‌هایی باید مقاومت کرد زیرا هیچ انسانی نمی‌خواهد یا نمی‌تواند یک‌شبه میراث فرهنگی خویش را فراموش کند یا از بین ببرد.

آیا از موارد فوق چنین برمی‌آید که باید مردم بخش بزرگی از جهان را از سزایای تکنولوژی مدرن محروم داشت؟ اینچنین نیست، اما این امر ضرورت نیاز به پیشرفت در انطباق و هماهنگ‌سازی میان روشهای قدیمی مورد قبول و روشهای نوینی که موجبات تولیدات مدرن صنعتی را فراهم می‌سازند را موجب میشود.

اشتباهی بزرگ خواهد بود اگر فکر کنیم که صنعتی شدن تنها درگرو آموزش تکنیکهای مورد لزوم میباشد. این امر در اروپا به تغییرات سهمی در ساختار اجتماعی نیاز داشته و در سایر نقاط جهان که دارای فرهنگهای سنتی گوناگون میباشند حتی تغییرات بزرگتری را می‌طلبد. اقتصاد کلاسیک نشان می‌دهد که ارزش تولیدی هر نظام اقتصادی در نتیجه کاربرد سه عامل تولید: زمین، کارگر و سرمایه بوده است. در سالهای اخیر این نکته روشن شده است که میزان رشد اقتصادی در کشورهایی که بیشتر توسعه یافته‌اند، تنها معطوف به این سه عامل نبوده است. ناهمین اوایل دیگری شناخته نشده بود، توجه به منابع انسانی بوده چنان عطف توجه و سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی چون تغذیه، بهداشت و آموزش که مردم را قادر به تولیدات بیشتر و کارایی فزون‌تر می‌سازد این تصور وجود داشته است که توجه به عوامل مزبور سعادت بیشتری را بدنبال خواهد داشت. در واقع عوامل مزبور سعادت بیشتر را امکان‌پذیر می‌سازند لیکن توضیح این نکته تأسف آور است در حالیکه کشورهای ثروتمند همواره غنی‌تر میشوند و کشورهای فقیر، فقیرتر میگردند و این یکی از دلایلی است که انگیزه اهمیت نقش کتابخانه‌ها را روشن می‌سازد.

رشد اقتصادی خواستار تغییر ارزشها و روشهای سنتی و همچنین کسب اطلاعات بهتر و عقاید جدید میباشد. این مستلزم آن است که اینها مورد قبول مردم باشند، نه اینکه صرفاً به آنها تحمیل شوند. چه وسیله‌ای بهتر از کتابخانه میتوان برای برآوردن هر دو این منظورها

سراغ داشت. کتابخانه به حکم طبیعت خود عامل تغییر است. کتابخانه عقاید جدیدی را مطرح میسازد لیکن آنها را تحمیل نمیکنند بنابراین عکس العمل کمتری را علیه عقاید جدید بوجود میآورد. کتابخانه خواننده را به قبول یا رد آنچه انتخاب کرده است قادر میسازد و از این مهمتر برای خواننده موقعیتی را برای قبول یک عقیده فراهم میآورد ولی میتواند به تعدیل کاربرد آن با توجه به نیازهای خود و اوضاع محلی بپردازد.

نتایج پیشرفتهای صنعتی ناشی از کاربرد اصول علمی در تکنولوژی بوده است. آنچه که اصولاً در آغاز این فرآیند مورد نیاز است علوم پیشرفته و پیچیده نیست بلکه ارائه مقبول عقاید علمی بصورتی است که قابل درک عموم باشد.

فرنچمن سروان شریبر Frenchman Servan Schreiber در پرفروشترین اثر خود بنام «سبازره آمریکا» عقیده دارد که عدالت اجتماعی، دوازدهم رشد اقتصادی، یکی از عوامل توسعه صنعتی بشمار میرود. عدالت اجتماعی همچنین تأمین اطلاعات را نه تنها برای افراد تحصیل کرده بلکه برای همه طبقات جامعه فراهم میسازد.

کتابخانههای عمومی قرن نوزدهم در بریتانیا و آمریکا برای برآوردن نیازهای انقلاب صنعتی بود و بالمآل پیشرفت صنعتی شدن را برانگیخت. این کار قبل از تأمین عمومی تحصیلات رسمی بود نه بدنبال آن و به مردم کمک کرد که از آن بهره گیری نمایند. در قرن بیستم از این درس چشم پوشی شد. ما تحصیلات رسمی و تأمین کمکهای فنی را در رأس قرار دادیم. اما نتایج حاصله موفقیت قابل توجهی نداشته اند.

شاید بهتر باشد که ما تاکید بسیار بیشتری بر تدارک کتابخانه و اطلاع رسانی داشته باشیم تا مردم قادر باشند بحسب درک خودشان، آنچه قبول کردند، بپذیرند و توافق نمایند و همچنین پیشرفت را در بنیادی زیستن تلقی کنند. همواره نسبت به تغییراتی که دارای ریشه های درونی هستند در مقایسه با تغییرات ناشی از عوامل خارجی، مقاومست کمتری صورت می پذیرد. انسان و در واقع همه موجودات زنده همواره در حال تغییر و تحول بوده اند و این امر چیز تازه ای نمی باشد. آنچه که تازگی دارد، رشد فزاینده و سریع تغییرات فرهنگی میباشد.

در گذشته تغییرات در طی نسلها صورت میگرفت و زمانی کافی برای خو گرفتن با آنها وجود داشته است. حتی در آن زمان، دوره هایی پیش میآمد که فشار برای انجام تغییرات خیلی افزایش می یافت و جوامع بصورت انقلابات از هم می پاشید. امروزه ما با تغییرات غیر منتظره سریع در تکنولوژی و فرهنگ جهانی روبرو میباشیم. ما نمی توانیم خطر فرو ریختن جوامع را در جهانی که از فشارهای ناشی از این تغییرات سریع بوجود میآیند نادیده بگیریم.

تحصیلات سنتی، پدیده ای آموزشی بوده است، آموزشی که الزاماً تکیه برگذشته داشته

و با این ترتیب مطابق آن می‌باشد.

چنین وضعی نه در جهت انعطاف ذهنی و مهیا ساختن زمینه قبول عقاید جدید و غیر قرار دادی بوده و نه در جهت پیشرفت ذهنیات انتقادی است که انسان را قادر سازد با خاطری آسوده اقدام به ارزیابی نموده و به واقعیات و نظریات جدید دست یابد. نتیجه نهائی فرایند آموزش غالباً بجای آنکه شباهتی به برداشت ذهنی داشته باشد واپس‌گرا (ارتجاعی) می‌باشد.

باری سرعت تغییرات تکنولوژی و فرهنگی در جهان معاصر نه تنها مستلزم بازآموزی تکنولوژی ملی دوران کار است بلکه همچنین افزایش توانایی‌های ذهنی در جهت انطباق و پذیرش تغییرات فرهنگی بدون پیامدهای احساسی را ایجاب می‌کند. برای پدید آوردن چنین موقعیتی باید تحصیلات در طول زندگی وجود داشته باشد نه اینکه تنها در دوره‌ای از زندگی دنبال شود.

همین مغایرت میان تحصیلات تجربی سنتی با واقعیت تغییرات است که دست کم زمینه آشفته‌گی جوانان را در سراسر جهان بوجود می‌آورده است. این آشفته‌گی ممکن است پیش‌تاز از هم پاشیدن جامعه جهانی باشد که در پیش‌بان اشاره گردید با وجود این هنوز جوانان سالم بجای خرابکاری و واپس‌گرایی، طبیعتاً سازنده و پیشرو هستند.

حتی غنی‌ترین کشورها دریافته‌اند که مخارج تحصیلات سنتی باری محسوب می‌شود. آیا این وضع دیگر تا چه حد موجب فشار بر کشورهای فقیرتر می‌باشد. یک نشریه سازمان یونسکو اظهار داشته است که در اهداف آموزشی قاره آفریقا برای بیست سال آینده ۳۰ درصد از کودکان قادر خواهند بود که دوره تحصیلات متوسطه را بگذرانند. باری آنچنان که تخمین زده می‌شود طی سی سال آینده در جهان تعداد افرادی که به سن رفتن به مدرسه خواهند رسید چهار برابر افزایش خواهد یافت و این در حالی است که در همه نقاط جهان از جمله بیشتر کشورهای پیشرفته تعداد کمی معلم وجود دارد. در مقابل این حقیقت آیا واقع بینانه خواهد بود که تصور نمائیم، امکان دارد یا خواهد داشت که تحصیلاتی ارزشمند در شکل سنتی یادوره‌هایی متفاوت را برای اکثریت کودکان جهان در نظر بگیریم؟ حتی اگر هم ممکن می‌بود اسری مطلوب بود؟

آیا این بهتر نخواهد بود که تمام برنامه‌های تعلیماتی را با تأکید بیشتر بر خودآموزی از طریق کتابخانه، مورد ارزیابی مجدد قرار دهیم؟

آنچه که لازمست جهت‌گیری مجدد مسائل و اولویت‌های تعلیماتی است که دور از آموزش سنتی و در جهت یادگیری انفرادی باشند. این امر تغییرات انقلابی در کتابخانه‌ها و مهیا ساختن آن در سطوح مختلف را ایجاب می‌کند زیرا کتابخانه‌ها منبع اولیه یادگیری و ملزومات فردی در تمام طول عمر می‌باشند و یا باید باشند.

فقدان اداره صحیح و عدم کارآیی کتابخانه، تعلیماتی را که باید در طول عمر صورت گیرد غیرممکن میسازد.

البته این بدان معنی نیست که دیگر به تحصیلات عالی یا رسمی نیازی نمیباشد. در حالیکه ما نباید واپس‌گرا (ارتجاعی) باشیم لیکن نمیتوانیم نسبت به گذشته و درسهای آن بی توجه بمانیم. یک هدف اولیه آموزشی انتقال فرهنگ است که برای یک جامعه قوی و باثبات لازم میباشد. نظر کلی بر این است که نیاز به اندیشیدن مجدد در کلیه برنامه‌های تعلیماتی یادگیری بعنوان یک فرایندنه آموزشی وجود دارد و این بصورتی اجتناب ناپذیر ابعاد مختلفی از اولویت‌های اقتصادی و آموزشی را بین تحصیلات رسمی (که ما با آن آشنا میباشیم) و غیر رسمی یا خودآموزی از طریق کتابخانه‌ها در بر دارد. از تمام اشکال آموزشی احتمالاً کتابخانه‌ها بیشتر اقتصادی میباشند. همانطور که آموزش میتواند بدون داشتن ارتباط با نیازهای واقعی یک کشور بوسیله تطبیق روشها و فرضیات فرهنگی دیگر برنامه‌ریزی شود، کتابخانه‌ها نیز می‌توانند برنامه‌ریزی شوند. اگر قرار است کتابخانه‌ها بعنوان عوامل رشد اقتصادی و خودآموزی آموزشی بطور مؤثری عمل نمایند، باید برای نیل به این هدفها، طرح‌ریزی شوند. لیکن تمامی این نکات در اهداف آموزشی کشورهای غربی طی سالهای اخیر رعایت نشده‌اند.

تصور می‌رود، هدف از رشد اقتصادی قادر ساختن مردم به دارا بودن زندگی بهتر باشد اما زندگی بهتر چه میباشد؟ مسلماً این امر شامل: خوراک کافی، مسکن درست، خدمات بهداشتی و نگهداری سالمندان و درسالندگان میباشد. اما در ورای آنها از جمله همچنین توانایی و تمایل در امر تربیت و رشد فکری و ذهنی میباشد. یونانیها معتقد بودند که، مطالعه صحیح زندگی بشری در انسان قرار دارد و این درسی است که تمدن غرب طی ... سال اخیر تمایل به فراموش کردن آن داشته است چنانکه نیبور (Niebuhr) میگوید. « غیر منصفانه نخواهد بود که بگوئیم، تمامی فرهنگ ما از رنسانس تا بحال با بزرگترین پیشرفت در شناخت طبیعت و بزرگترین سردرگمی‌ها در شناخت انسان اعتبار یافته است». امروزه نحوست این کلام آشکارتر شده است.

همانگونه که آموزش، ارزشها و تکنولوژی غرب در فرهنگهای دیگر رواج می‌یابند ابهام در شناخت انسان نیز رواج مییابد. امروزه ما همه میدانیم که نژاد بشر در معرض خطر است و اگر نجات پیدا کند ممکن است، متحمل یک زندگی نفرت‌انگیز، خشن و کوتاه به سبب خوراک غیر کافی، آلودگی هوا و کثرت جمعیت باشد. این امر احتمالاً در نتیجه ستودن اغراق آمیز علم و تکنولوژی حاصل آمده است. امروزه بزرگترین مسئله‌ای که در برابر مردم جهان قرار دارد شناخت بیشتر انسان است در حالیکه پیشتهاد نمیشود که چه کاری باید در این زمینه انجام داد لیکن من اظهار میدارم که کتابخانه‌ها می‌توانند در جهت تصحیح از طریق معرفی فعالانه خود آدمی

در دورانه‌های گذشته، به خوانندگان اقدام نمایند. ما نقشی را در جهت توسعه اقتصادی و تکنولوژی بنحوی که بزرگترین سود از آن عاید شود داریم، اما نباید مسئولیتهای دیگرمان را بعنوان فیلسوف، هنرمند و عضوی از جامعه انسانی، از یاد ببریم. کتابخانه‌ها از آن نظر حائز اهمیتند که موجب تسریع توسعه اقتصادی شده، مردم را در میل به غنی‌تر شدن و کامل‌تر شدن زندگی کمک می‌نمایند و بدین ترتیب پیشرفت را ممکن می‌سازند و با گسترش خود موجب پرورش اذهان عمومی میشوند، عامل آنهم ارزشهای غیر علمی و غیر تکنیکی است که باید در مورد بررسی و پیشرفت قرارگیرد تا شناخت انسان میسر و لذا بهره‌برداریهایی تکنیکی را تحت کنترل درآورد.

اگر قرار باشد که کتابخانه‌ها باین صورت عمل نموده و سهمی سازنده را در جوامعی که به آنها خدمت می‌کنند ایفا نمایند باید نقشی فعال داشته و اهدافی پویا را دنبال نمایند. یک کتابخانه را نباید بعنوان یک معبد آموزش یا اثری تاریخی و یا انباری در نظر گرفت بلکه باید مکان نیروبخشی تلقی کرد که به تأمین اطلاعات و عقاید جریان تحول و پیشرفت زندگی در جامعه‌ای که بدان خدمت می‌کند می‌پردازد. کتاب و روزنامه در حکم تأمین‌کننده سوخت آن و کتابداران عامل محرکه آن محسوب می‌گردند. امروزه این نقش واقعی کتابخانه‌ها و کتابداران سییاشد.

با این توصیف نقش کتابداران امروز برایمان روشن می‌گردد و بهمین خاطر این کتابدار است که اجزاء اولیه تشکیل دهنده کتابخانه محسوب میشود. نه انبار کتاب و ساختمان آن. این کتابداران و تنها آنها سییاشند که می‌توانند انبار را کدی از کتاب را به یک سازمان اجتماعی پویا تبدیل نمایند.

همه کتابخانه‌ها برای تأمین نیازهای اطلاعاتی اجتماع یا جامعه‌ای که میتواند یک مدرسه، یک دانشگاه، گروهی از دانشمندان، یک شهر و یا یک کشور باشد بوجود آمده‌اند. هر جامعه‌ای متشکل از افراد سییاشد و بنابراین کتابداری در ارتباط با دو عامل، مردم و اطلاعات سییاشد. نقش کتابداران بوجود آوردن تأثیر متقابل معنی داری میان انسانها و عقاید است که بنحوی مطلوب‌سبج به ایجاد عقاید جدید می‌گردد. تأثیر متقابل معنی دار بطور معمولی بدون داشتن هدف حاصل نمیشود و باید برای آن برنامه‌ریزی کرد بنابراین نقش حرفه‌ای کتابدار تنها به اداره کتابخانه‌ها و خدمات آنها خلاصه نشده بلکه برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت را نیز دربر می‌گیرد.

کتابخانه‌ها سازمانهای اجتماعی هستند که توسط جامعه یا بخشی از آن تأمین‌سالی می‌گردند و کتابخانه‌ها در خدمت نیازهای آن سییاشند. بنابراین هدف یک کتابخانه نمیتواند بطور مطلق تعریف‌شود بلکه باید از جامعه‌ای که در آن خدمت می‌کند نشأت گیرد.

جوامع مختلف چه بصورت واقعی و چه فرضی دارای اهداف مختلفی میباشند. برنامه ریزی در امور کتابخانه ها باید با توجه به پارامترهای مورد قبول اهداف آشکار و نهان جامعه ای که کتابخانه در آن دایر می باشد صورت گیرد.

این واقعیتی است که کتابداران چه بعنوان کتابدار و چه شهروند در اظهار نظر پیرامون سازمان دادن امور کتابخانه خود بر اساس طریقه ای که جامعه آنها باید رشد نماید و نیز داشتن تعلقات و احساسات مشترک کاملاً محق میباشند.

یک کتابدار بطور معمول شغلی مستقل نداشته و کارش در یک سازمان اداری می باشد بنابراین او باید جانب داری از آن سازمان را پذیرفته و متعهد گردد. وی در عین حال طرفداری جداگانه ای نسبت به سایر کتابداران همکار در رابطه با شغل خود دارد. این دو تمایل ممکنست که بایکدیگر تعارض داشته باشند. جانب داری عاملی برای احتراز از انتقاد نمی باشد. در واقع ممکنست در بعضی موارد لزوم انتقاد اظهار گردد. شناخت اینکه چه وقت بطور صحیح و معقولانه میتوان انتقاد کرد و چگونه میتوان انتقاد کرد، مطالعه دقیق و تفکر عمیق می خواهد.

کتابخانه به لحاظ طبیعت خود عامل تغییر است و هر چه فعال تر باشد، این موضوع واضح تر است. اما احتمالاً همه این تغییرات و کنشها و مخالفتهایی را بر خواهد انگیخت. باز هم این بخشی از مهارت یک کتابدار است که این واکنشها را به حداقل رسانده و جهت آنها را طوری منحرف سازد که مخالف خود کتابخانه نشوند.

بطور آشکار در صورتیکه یک کتابخانه مورد توجه جامعه خود قرار گیرد احتمالاً موفق بوده و پیشرفت می نماید. بنابراین کتابدار عاقل کوششهای خود را بسوی عمیق ترین و روشن ترین شناختها نسبت به نیازها، ارزشها، تعصبات، آرزوها و امکانات مالی جامعه اش سوق میدهد. بدنبال چنین شناختهایی او به برنامه ریزی برای توسعه کتابخانه اش خواهد پرداخت و این ترتیب وی به حداکثر مقبولیت و احترام جامعه خود دست مییابد. این زمینه مطلوبی برای کسب امکانات مالی بیشتر است و بدون داشتن امکانات مالی، توسعه و پیشرفت غیر ممکن می باشد.

اما این خاتمه یافتن مسئولیت کتابدار نمی باشد. او بنا به حرفه اش وظیفه اعمال رهبری جامعه خود را دارد و بنابراین مسئولیتی در مطالعه جامعه خود و درک نیازهای واقعی آن که جدا از نیازهای ظاهری و بیان شده است دارد. سپس وی موظف است که برای رهبری جامعه خود در جهت ارضای این نیازهای واقعی، سیاست کتابخانه را با تجربیاتش تطبیق دهد. اعمال چنین رهبری بهر حال نیازمند به مهارت، حساسیت و ظرافت است. از یک طرف کتابدار نباید در رهبری خود آنقدر تند روی نماید که حمایت جامعه را نسبت به خود از دست بدهد زیرا او حمایت مالی را از دست خواهد داد و به تمامی خدمات وی لطمه وارد خواهد شد. از طرف دیگر او نمیتواند تنها متکی و دنباله رو خواستهای استفاده کنندگان باشد زیرا این در جهت عدم کارایی و رکود

است. او متخصص و کارشناس مدیریت کتابخانه است در صورتیکه استفاده کنندگان چنین نیستند، وی باید قادر باشد که روشن تر از هر شخصی دیگری امکانات بالقوه و موقعیت کتابخانه اش را برای دادن سرویس بهتر مشاهده نماید. اگر او در اداره کتابخانه اش در جهت واقع بینی این تصور موفق نشود از وظیفه شغلی اش برکنار خواهد شد. در هیچ کتابخانه و یادریج شغلی نمیتوان تنها با دنباله روی از عوامل خارجی و عقاید بدون تخصص پیشرفت نمود. در این نقش حساس او باید به قضاوت اطلاعات شغلی خویش متکی باشد. مطالعاتی را که وی در دوره تحصیلات کتابداری انجام داده است احتمالاً رابطه چندانی با این وظیفه دشوار حرفه اش چه در زمینه عمل تحلیل اجتماعی و نیز اعمال رهبری جامعه و یا پیشرفت در قضاوت حرفه ای نداشته است. از آنجا که روشهای موجود آموزش حرفه ای ما، کتابداران را بویژه برای مؤثر بودن در این شغل آماده نمیسازد. برنامه ریزی کتابخانه ها در بسیاری از کشورها منجمده کشورهای پیشرفته تربیخوبی صورت نمیگیرد و بهمین خاطر است که در سراسر جهان عموماً از این صحت میشود که کتابخانه ها و کتابداران بویژه مورد توجه زیاد نبوده و کارآیی ندارند. سی.وی. پنا (C. V. Penna) در شماره مارس تا آوریل ۱۹۶۷ بولتن یونسکو مقاله مفصلی را پیرامون برنامه ریزی خدمات کتابخانه نوشته و انتشار داده است. وی در این مقاله اظهار سیدارد مشکل کتابداری در امریکای لاتین فقدان معمار و فراوانی مباحثان و کارگران است که علیرغم عزم راسخ و اشتیاق آنها، تنها در بوجود آوردن یک ساختار کتابخانه بدون آتیه موفقیت داشته اند که در مطرح ساختن منافع عموم لیاقتی نداشته است. «من فکر می کنم که این قضاوت هرچند دشوار است ولی واقعیت دارد و این واقعیت نه تنها برای امریکای لاتین بلکه در بیشتر نقاط جهان نیز صادق است.

راه حل پنا، اگر تعبیر درستی از آن کرده باشم، اینست که کتابداران باید تاحدی اقتصاد و فرهنگ آموخته باشند تا که بتوانند درباره چگونگی تکنیکهای کتابخانه و بهترین شکل استفاده از آنها در پیشرفت بیشتر امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور خود تصمیم گیری نمایند. من فکر نمیکنم که این اظهارات غلط باشد اما به ریشه قضیه نمیپردازد و چنین استنباط میشود که باید کتابداران تنها بر میزان تکنیکهای فعلی خود مقدار بیشتری بیافزایند. دقیقاً این تحت تأثیر آنچه در کتابخانه میگردد و نه آنچه در خارج از آن در جامعه میگردد، قرار گرفتن ضعف اساسی کتابداری امروز بشمار میرود بنظر نمیرسد که پنا این اسرا تشخیص داده باشد که اساس اصلاحات پیشنهادی او سیباید در اصلاح آموزش کتابداران قرارگیرد، بطوری که روش وی به تعلیمات دانشگاهی واقعی کتابداری تبدیل شود که بجای آنکه تنها متوجه کاربرد تکنیکها باشد به ارزیابی فرجام آن بپردازد چنانچه آلبرت انیشتن گفته است: «نگرانی برای انسان و مقصد او همواره باید مورد توجه عمده تمامی فعالیتهای تکنیکی باشد این موضوع را هیچوقت در نمودارها و معادلات خود فراموش نکنید».

این مسئله همانقدر که برای فیزیکدان کاربرد دارد برای کتابدار نیز قابل استفاده است.

اگر علایق و مقاصد کتابداری تأثیر متقابل مردم و عقاید باشد، نتیجه گیری میشود که پایه های عقلی و تئوریک کتابداری که همان آموزش کتابخانه است، از یک طرف مطالعه مردم و جوامع و از طرف دیگر عقاید یا دانش خواهد بود. همچنین نتیجه گیری میشود که پژوهش در این زمینه ها شرط لازمه قبلی پیشرفت تجربی این حرفه میباشد.

مطالعه پیرامون مردم و دانش از محتوای آموزش حرفه ای امروزه بسیار دور است. آنها ممکن است در وهله نخست در نظری اجمالی عقاید نسبتاً تخیلی بنظر برسند که از کار کتابخانه ها عملاً بکار گذاشته شده است ولی بنظر من اینطور نیست اگرچه مرتبط با کتابداری میباشد. اگر ما خواهان میسر بودن کسب فرصتهای مناسب هستیم و اگر میخواهیم که با استفاده از این فرصتها برای ادعاهایی که عنوان میشود تسلط داشته باشیم باید کتابدارانی داشته باشیم که برای برنامه ریزی و هدایت کتابخانه ها و خدمات آنها تربیت شده باشند و صرفاً اداره کننده آنها نباشند. این امر البته لزوم شناخت تکنیکها و تکنولوژی کتابداری همزمان با توسعه سریع آنها را در بردارد و نیز لزوم مطالعه کامل مردم و جوامع از یکسو و چگونگی فراگیری و قبول اطلاعات و دانش از سوی دیگر را در بر میگیرد. تنها در پی چنین مطالعه ای است که تکنیکهای کتابداری میتوانند متوجه عرصه های محلی گردیده و بطور مقتضی و سازنده عملی باشند در واقع ما به کتابدارانی نیاز داریم که دارای تحصیلات کتابداری بعنوان رشته ای دانشگاهی باشند. محتوای چنین رشته ای مطالعه در مورد انسانها و جوامع همراه با بررسی پیرامون ماهیت دانش در این زمینه ها که چگونه بوجود آمده؟ چگونه منتقل گردیده؟ و چگونه جذب شده است خواهد بود. منظور از این رشته قادر ساختن خدمات کتابخانه به برنامه ریزی، طراحی و هدایت آن برای خدمت هر چه کارا تر برای نیازهای واقعی با توجه به استفاده از حد اکثر امکانات و ستغیر اجتماعات و جوامع بخصوص میباشد. تنها زمانی که ما قادر باشیم این اقدامات را بطور مؤثر انجام دهیم میتوانیم از لحاظ شغلی بطور برابر و مستقل همراهِ با مسئولان، کارشناسان آموزشی، برنامه ریزان اقتصادی و سایر متخصصانی که جامعه و سرزشت ما را شکل میدهند به اظهار نظر بپردازیم. بعد از آن قادر خواهیم بود که آنها را از سهم بودن کتابخانه ها برای اجتماع بهتر و زندگی بهتر آگاه سازیم و تنها بعد از آن قادر خواهیم بود که منابع کافی برای اداره صحیح و واقعی کتابخانه های خود در جهت گسترش نقش آن در تمامی برنامه های توسعه اجتماعی کسب نمائیم.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی